

کیهان

امیر حسین فردی(نویسنده)، ابوالفضل عالی(گرافیست)، شهید رسول کالمیرزاد(مکانک)، حسن شایانفر(محقق)، شهیدداده زارعی(شاعر)، مهرداد اوستا(شاعر)، نصرالله مرادی (شاعر)، سیدنجلیبایانیاپری(کاربراسان)، حبیب‌الله معلمی(شاعر)

کیست این پنهن مرا در جان و تن؟
کز زبان من همی گوید سخن!
این که گوید از لب من را؟ کیست؟
بن‌گردید این صاحب آواز کیست؟
من در اینسان خودمندی می‌کنم
برای منم که ادعای آشنایی می‌کنم
کیست این گویا و شنوا در تنم؟
بلورم یارب نباید کاین منم!

این ابیات، بر سر گرفته‌اش از مقدمه منظومه لطیف و فاخر عاشورایی گنجینه اسرار «گنجینه الاسرار» اثر طبع «عمان سلامانی»، شاعر آیینی نیمه دوم سده ۱۳ و اوایل سده ۱۴ ه‍. ق- عصر قاجار و مشروطیه- است. شاعری که با خلق و آفرینش این منظومه عرفانه- عاشقانه عاشورایی، نام خود را در شمار یکی از بزرگ ترین شاعران آیینی‌سرای ایرانی به ثبت رسانید. نام اصلی این شاعر میرزا نورالله، ملقب به تاج الشعرا و متخلص به «عمان» است. شاعری از دیار «سامان» استان چهار محال و بختیاری (۱۳۲۲- ۱۳۵۸ ه‍. ق)^[نی‌م]

وی علاوه بر منظومه ماندگار «گنجینه اسرار» که در سرودن آن تا حدودی متأثر از آتشکده نیر تبریزی و زبده الاسرار صفی علیشاه اصفهانی بوده است،صاحب آثار دیگری نیز می‌باشد، از جمله: منظومه معراج‌نامه(که ظاهراً تاکنون مجال چاپ و نشر نیافته است)، مخزن الدرر که تذکراتی است دربردارنده شرح احوال و آثار تعدادی از شاعران استان چهار محال و بختیاری که به سبک تذکراهی دوره بازگشت و با نثری متکلفانه نوشته شده است، و دیوان اشعار شاعر که در بر دارنده غزل‌ها، قصیده‌ها و دیگر مثنوی‌های اوست و تاکنون چندین بار در ایران و هند تجدید چاپ شده است. ولی بی‌هیچ تردیدی می‌توان گفت که تاکنون هیچ کدام از آثار او مرئیه‌ای به ولایی و آراجمندی گنجینه اسرار نیافته‌اند.البته عماد قصیده معرفی نیز در مدح مولی‌الموحیدین علی(ع) سروده است که به «قصیده لامیه» معروف است. این چکامه نیز در کنار منظومه گنجینه اسرار، به خاطر استحکام و استواری و همچنین فخامت، فصاحت و سلامت بیان، مورد استقبال و توجه اهل فضل و ادب قرار گرفته و از جایگاهی شایسته برخوردار است که به عنوان تبرک و تبیین ابیاتی از آن را زمره می‌کنیم:

به پرده بود جمال جمیل عروجل
به خوشت خواست کند جلوه‌ای به صبح لزل
چو خواست آن که جمال جمیل بنماید
علی شد آینه، خیز انگار گل و دل
من از مفصل این نکته مجملی گفتم
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل
اما بدون هیچ تردیدی باید گفت که عمان، شهرت و آوازه خود را مدیون منظومه عاشورایی گنجینه اسرار است. او در این مثنوی، با برداشت‌های ناب عرفانی از جریان عاشورای حسینی، از حربن یزید ریاحی، حضرت عباس، حضرت علی‌اکبر، حضرت قاسم، به میدان رفتن حضرت سیدالشهدا(ع) و عنان گیری حضرت زینب(س)، سفارش امام حسین (ع) در مورد حضرت علی‌اصغر، و بالاخره از به میدان رفتن حضرت سیدالشهدا(ع) و جریان جلوه خویش است؛ ذخیره خدائندی سخن به میان آورده است.^[نی‌م]
چرا «گنجینه الاسرار»!

در مورد نام منظومه عاشورایی عمان - گنجینه الاسرار - که ترکیبی از دو واژه فارسی و عربی است و تاکنون بسیاری از ادیبان وسخن‌نشانان بر آن خرده گرفته‌اند، باید گفت که علاقه‌مندان این شاعر در توجیه این اشتباه گفته‌اند که عنوان اصلی با پای دلجی از کسرره در مضاف گنجینه خوانده می‌شود، یعنی باید بخوانیم «گنجینه اسرار»، همچنان که از آغاز انتها ابیاتی این گفتار نیز بی ترکیب با چنین رسم‌الخطی نوشته شده است. اشاره به نکته ظریف دیگری نیز در این خصوص ضرورت دارد. آنان که با ادب وگویش بختیاری آشنایی دارند، خوب می‌دانند که گونه‌ای ترکیب‌سازی به صیغه و صرف عربی از واژگان فارسی، در بین شاعران و

ادیبان بختیاری رایج بوده است که به کار بردن چنین ترکیباتی را جایز می‌دانسته‌اند- همچنان که شاعران فارسی‌گوی افغانی و تاجیکی، امروزه با همان گویشی که در کشور خویش متکلم می‌گویند، شعر فارسی می‌گویند- برای مثال ساخت قصایدی با عناوین «گلمیه» و «سبیه» توسط شاعرانی چون افلاکی و نسیان سامانی، با عنایت به چنین تسامح و تساهلی در بین شاعران بختیاری، نباید از انتخاب چنین عنوانی توسط عمان چندان تعجب کرد.

گنجینه اسرار

تلفیقی عاشقانه از حماسه و عرفان
استاد محمد علی مجاهدی، شاعر و پژوهشگر عرصه ادبیات آیینی در باره منزلت ادبی و عرفانی «گنجینه اسرار» می‌گوید: «گنجینه عمان مبتنی بر قرآنت عرفانی از فرهنگ خون نگار عاشوراست. قرآنتی که به مقوله‌های تاریخی،

«گنجینه اسرار»، زیباترین قرائت عرفانی از عاشورا

جغرافیایی و اجتماعی اعتنائی ندارد و تنها از منظر معرفتی به واقعه کربلا نگاه می‌کند و در تبیین راز و رمزهای آن، از شیوه بیدانه سود می‌جوید… عمان، ماجرای این حرکت الهی را از «عالم ذر» به روایت می‌شنیند و از صدای عام «الست برکم» ربوبی و «قالوا بلی» این نفوس کربوی با ما سخن می‌گوید تا صیغه ماورایی قیام سالار شهیدان کربلا حسین بن‌علی(ع) را در بی‌رنگی محض به تصویر بکشد.»

آنچه که منظومه گنجینه اسرار را از دیگر منظومه‌های عاشورایی متمایز می‌کند، نگاه زینباشناسانه مبتنی بر عشق و عرفان به قیام حسینی است. پیش از این اکثر شاعرانی که به روایت عاشورا می‌نشستند، از منظر ی سوگمنده به عاشورا، نگاهی آمیخته به عرفان و نشأت گرفته‌اش از عشق و معرفت است. در چشم و دل این شاعر دل شده، در کربلا، حضرت اباعبدهالله(ع) بارانش نه برای قتال، که برای «وصال» آمده‌اند. از همین رو میدان کربلا در نگاه عمان، میدان عشقباری با مشوقه آفری و ابدی است، و عاشقان رقص کنان، مست، و بی‌سر و دست- زیر شمشیر جبهه حضرت دوست- گردن می‌سپارند:

ما گر زسر بریده می‌تسیدیم
در محفل عاشقان نمی‌رضعیدیم
در محفل عاشقان، خوشار قصیدن
دامن ز بساط عاقبت چو چیدن…
گنجینه اسرار، تلفیقی عاشقانه از حماسه و عرفان است. عمان عشق را عمود خیمه هستی می‌داند و از این منظر به حماسه کربلا و روز عاشورا نگاه می‌کند. او همچون زینب(س) در کربلا چیزی نمی‌بیند جز جلوه‌های جمال و جلال حضرت دوست، و با سر مستی و شوقی وصف پایدیزی این صحنه‌های ناب و نایاب را بر بوم شعر خویش به تصویر می‌کشد، این که چگونه معشوق، عاشق را با کمند غمزه صید می‌کند. فلسفه آفرینش عالم هستی، عشق حضرت حق (جسل جلاله) به جمال و جلوه خویش است؛ زیرا دوستی ذات خود، از لوازم عشق است. ذات اقدس پروردگار نیز بر همین اساس جهان را پدید آورد.

با خدنگ غمزه صید دل کند
دید هر جا طلای، بسمل کند
چون دل عشقی را در قید کرد
خود نمایی کرد و دل‌ها صید کرد
گفته‌اند از پای ز روی سر خویش
پیش گیرد شیوه عاشق عشق
به نظر می‌رسد این ابیات تفسیر منظوم و شاعرانه حدیث معروف قدسی «کنت کنزاً محفیا فاجیبنا ان اعراف، فخلقت الخلق لعلی اعراف» باشد. خدایم می‌فرمایند: «من گنج پنهانی بودم که دوست داشتم شناخته شوم، پس آفریدگان را آفریدم تا شناخته شوم.»

«عمان»، در عرفان متأثر از مبانی عرفان

اداب‌نور@kayhan.ir

محمد سیب‌زوری(شاعر)، امیر حسین فردی(نویسنده)، ابوالفضل عالی(گرافیست)، شهید رسول کالمیرزاد(مکانک)، حسن شایانفر(محقق)، شهیدداده زارعی(شاعر)، مهرداد اوستا(شاعر)، نصرالله مرادی (شاعر)، سیدنجلیبایانیاپری(کاربراسان)، حبیب‌الله معلمی(شاعر)، علیرضا قزوین(شاعر)، محمد علی گودینی(نویسنده)، علی‌محمد مؤذب(شاعر)، مرحوم شهریار(شاعر)، محمد مهدی سیار(شاعر)، سمین‌دخت‌وحیدنی(شاعر)، سولایان‌نویسنده و تصویرگر

نظری «این عربی» است. این ابیات نیز نشانه تأثیرپذیری او از این عارف بزرگ است. وقتی این عربی به احادیث پیامبر(ص) در ارتباط با عشق روی می‌کند، در ابتدا به حدیث معروف «گنج مخفی» استناد می‌کنند… حدیث گنج مخفی به ما می‌گوید که خدایند موجودات را از روی عشق خود برای شناخته شدن آفرید. پس عشق، نیرویی محرک آفرینش است . موجوداتی که او آفرید، غایت‌های عشق او هستند. عشق خدایند، عشقی حقیقی است و منشأ تمامی عشق‌هاست… نمانه «انسان کامل» در عشق، قری‌عام است که نابودی کامل خویشن است . این عشق نیز شدیدی را به خدایند و بی‌نیازی به انکساف کامل او به وجود می‌آورد. آن انکساف کامل در کلیت خود این جهان است.انسان کامل (حضرت ابا عبدالله) از طریق عشق به خدایند که کامل و بی‌حد (مطلق) است، تمام موجودات را

کربلا و شهادت نقطه کمال این حرکت است… در عاشورا، امام حسین(ع) نه تنها سرحلقه مستان سالک طریق بود، بلکه او در مقام ارشاد و اصحابش در مقام طلب بودند. در دیدگاه عمان، هر یک از اصحاب عاشورا در مرتبه‌ای از سلوک قرار داشتند و به فراخور نیازشان از چشمه سار معرفت امام سیراب می‌شدند.^[نی‌م]

عمان در گنجینه اسرار، واقعه عاشورا را به تمامی در ساختاری عرفانی به روایت می‌نشیند، همچنان که اشاره شد او در عرفان از مولانا و ابن عربی متأثر است. از همین رو در قرائت عرفانی او از واقعه کربلا و قیام حسینی، رد پای فلسفه ملاصدایی- وحدت وجود- مشهود است. این شاعر فرهیخته، همه عالم را مظهر جمال و جلال خدایند می‌داند و قیام حضرت ابا عبدالله(ع) در چشم و دل او، قیامی برای رسیدن به مرتبه «فنا فی‌الله» است.

در یک منظومه عاشورایی، به طور طبیعی درک و فهم آن را برای عموم دشوار می‌کند. عمان در ساخت و پرداخت این منظومه به مبانی عرفان نظری ابن عربی در «فصوص‌الحکم» و فلسفه متعالیه صدرایی توجه داشته که این امر باعث غموض و پیچیدگی پاره‌ای از بخش‌های «گنجینه اسرار» شده است.

۳- به کارگیری زبان ادبی عصر قاجار، از دیگر دلایل پیچیدگی این منظومه در فهم این منظومه ۸۳۱ بیتی است . در عصر قاجار استفاده از لغات و ترکیبات عربی یک ارزش به شمار می‌رفت و شاعران و ادیبان برای اثبات مراتب فضل و برتری خویش، در سروده‌های خود تمعداً از واژگن عربی استفاده می‌کردند. از همین رو بدیهی است که فهم پاره‌ای از ابیات این منظومه برای خواننده امروزی مشکل باشد.

بیا این وجود، به جسرات می‌توان گفت که

«گنجینه اسرار»، زیباترین قرائت عرفانی از عاشورا

رضا اسماعیلی

گنجینه‌الاسرار- بعد از ترکیببند محتشم کاشانی- ماندگارترین منظومه عاشورایی ادب فارسی است. منظومه ارجمندی که برای اولین بار واقعه کربلا را نه با لهجه «سوغ و مرثیه»،

که با لهجه عشق و حماسه و عرفان به تصویر کشیده است.

عمان، در این منظومه که به یک مینیاتور الهی می‌ماند، کربلا و عاشورا را با چمنان زینبی به تماشا می‌نشیند و همچون بانوی قهرمان کربلا جزجلوه‌های جمال و جلال حضرت حق، چیز دیگری نمی‌بیند: «ما رایت الا جمیلا».

راه عشق است این، عنان گیری مکن
یکی از تأثیرگذارترین، زیباترین و لطیف‌ترین بخش‌های منظومه بلند گنجینه اسرار، صحنه عنان‌گیری حضرت زینب(س) است که هنگام به میدان رفتن سالار شهیدان کربلا حضرت سیدالشهداست. عمان با شاعرانگی تمام به تصویرگری این صحنه ناب پرداخته است. . واژه به وازه، وکلمه به کلمه ابیات این بخش از منظومه بر دل و جان می‌نشیند و انسان را در خلسه‌های ناب و اهورایی فرو می‌برد. ما در این صحنه، عظمت روح ملکوتی حضرت زینب(س) و همچنین اوج عزت نفس و مناعت طبع حضرت ابا عبدالله(ع) را با تصویرسازی‌های لطیف، عاطفی، بدیع و قدرتمندانه شاعر با تمام خرد و حس می‌کنیم. از همین رو به عنوان حسن ختام این گفتار، این صحنه ناب و نایاب را در قاب چشمان شما به تماشا می‌گذارم و دامن سخن را برمی‌چینم، با هم می‌خوانیم:

خوهرش بر سینه و بر سر زنان
رفت تا گیرد برادر را عیان
سپیل اشکن بست بر شه، راه را
دود آهش کرد حیرن شاه را
در قفای شاه رفتی هر زمان
یادگ مهلا مهلاهن بر آسمان
کای سوز بر گون کم کن شتاب
جان من! نخستی سبکت زن ز کاب
تا بیوسم آن رخ دلجوی تو
تا بیوسم آن شکتج موی تو
شه سراپا اوج شوق و مست ناز
گوشه چشمی به آن سو کرد باز
دید مشکین مویی از جنس زنان
بر فلک دستن و دستن بر عنان
زن مگو، مرداقرین روزگار
زن مگو، بنت‌الجلال، اخت الوقال
زن مگو، خاک درش نقش جبین
زن مگو، دست خدای در آستین
پس ز جان بر خواهر استقبال کرد
در نظر این نویسنده مدعی، این صحنه ناب ۲۵ عرفان برای آنان که با این وادی بیگانه‌اند، سخت و مشکل است.

۲- تبیین فلسفه وحدت وجودی ملاصدرای

در اردوگاه مدعیان شبه روشنفکری قلم بدست نیز تو گویی «همه بی‌خبر و فارغ» اند! انگار نه انگار که رخدای خونبار در گوشه‌های از مملکت را شاهد بوده‌اند.

کسانی که ۴۰ سال است خطاب به این و آن - داخلی و خارجی- نامه و شکایت نامه علیه ممیزی و چه و چه می‌دهند، در برابر حادثه‌ای تروریستی چشم بسته‌اند، قلم زمین نهاده‌اند. کسانی که خود را شاعر و نویسنده آزادخواه معرفی می‌کنند و دم از ضرورت حرمت به اندیشه و قلم و حقوق اساسی انسان می‌زنند، نسبت به شهادت مظلومانه هموطنانشان، بی‌تفاوت‌اند.

فردای حادثه اهواز- اول مهر- برخی مدعیان روشنفکر مانند «م.د» سالروز تولد آوازخوان همیالکی با بهایبان و تهمت زنده به اسلام را تبریک گفت و در مدح وی سطرها نگاشت.

در نظر این نویسنده مدعی، این صحنه ناب ۲۵ شهید پیدا نمود. در واقع نزد وی، تبریک گفتن سالروز تولد یک آوازخوان مهم‌تر از اشار‌های به رخدای خونبار است و عبور بی‌اعتنا از کنار این رخداد به الزامات روشنفکری نزدیک است!

البته هیچ جای شگفتی نیست
هشت سال دفاع مقدس را به یاد بیاوریدا وقتی کشور درگیر جنگ با ارتش حرامی صدام بود، عناصر مدعی شبه‌روشنفکری، به نوشتن حدیث نفس مشغول بودند و برای اینکه نوشته‌های مبتذل و مستهجن‌شان را بدون کم و کاست منتشر کنند، به این و آن، دیرون و برون مرزها، نامه می‌نوشتند و از قانون عقلمانی

توقع از که و بر چه چیزی؟

پژمان کریمی



و حسرت «آرامش» خوردند بی‌آنکه مسبب اصلی رنج ایرانیان - همانا ضدانقلابیون داخلی و خارجی- را محکوم کنند!

چند هنرمند پر ادعا به بیان کلمه «تسلیت» اکتفا کردند و جمله‌ای علیه دشمنان ننوشتند. برخی چهل سال سرفرازی را کتمان کردند

سکوت را ترجیح داد و بخشی هم با ادعاهای برداشت‌های نادرست، در واقع نمک به زخم مردم پاشید و آب به آسیاب دشمن ریخت.

صفحه ۷

یکشنبه ۸ مهر ۱۳۹۷

۲۰ محرم ۱۴۴۰ - شماره ۲۲۰۱۳



سولایان‌نویسنده و تصویرگر

یا که ۵ دردمندان در شبی؟
پیش پای شوق زنجیری مکن
راه عشق است این، عنان گیری مکن
با تو هستم جان خواهر، همسفر!
تو به پا این راه کوی، من به سر
خانه سوزان را تو صاحب خانه باش
بازن در هر همی مردانه باش
جان خواهر در غم زاری مکن
با صدا پیروم عزادری مکن
معجز از سر، پرده از رخ واک مکن
آفتاب و ماه را رسوا مکن
هست بر من ناگوار و نایسند
از تو زینب گو صدا گوید بلند
هر چه باشد تو علی را دختری
ماده شیر ۱۱ کی کم از شیر نری؟
بازبن زینبی شاه آن چه گفت
با حسینی گوش، زینب می‌شفت
با حسینی لب هر آنچ او گفت راز
شه به گوش زینبی بشنید باز
گوش عشق، آری زین خواهد زعشق
فهم عشق، آری بیان خواهد ز عشق
بازبن دیگر این آواز نیست
گوش دیگر محرم اسرار نیست
ای سخن‌گو! الحظهای خاموش باش
از زبنا از پای تاسر گوش باش

دیگر اینجا گفتوگو راه نیست
پرده افکندند و کس را راه نیست
منابع و مآخذ:

۱- منبع همه اشعار مورد استفاده در مقاله: سلامانی، عمان، گنجینه‌الاسرار، به اهتمام: محمد علی مجاهدی (پروانه)، قم، انتشارات اسوه.
۲- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۳- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۴- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۵- بعضی از منتقدین و ادب پژوهان نیز به خاطر تسامح و تساهل در سرودن پاره‌ای از ابیات در منظومه گنجینه اسرار، به عمان اتهام «فحلی‌گری» زده‌اند.

۶- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۷- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۸- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۹- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۱۰- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۱۱- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۱۲- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

۱۳- «میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی، ملقب به تاج الشعرا» و مشهور به عمان سلامانی. وی از اهالی قریه «سامان» است که آن از قرای چهارمحال خاک بختیاری می‌باشد. وی در سال ۱۲۶۴ ه‍. ق. متولد شد و در شب ششم دوازدهم شوال سال ۱۳۲۲ ه‍. ق. درگذشت و در کاشان مدفون است.

^[1] گنجینه اسرار- بعد از ترکیببند محتشم کاشانی- ماندگارترین منظومه عاشورایی ادب فارسی است

^[2] گنجینه اسرار- بعد از ترکیببند محتشم کاشانی- ماندگارترین منظومه عاشورایی ادب فارسی است